

## تحلیل حقوقی اقدام آمریکا در صدور قرار توقیف نفت‌کش‌های ایرانی حامل بنزین به ونزوئلا\*

مهناز رشیدی

استادیار پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، پژوهشگاه قوه قضاییه

سید حسین موسوی‌فر\*\*

استادیار پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضاییه

کیوان اقبالی

دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

و پژوهشگر پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضاییه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۷/۱۱)

### چکیده

ایالات متحده آمریکا در جولای ۲۰۲۰، از طریق صدور قرار توقیف محموله نفت‌کش‌های ایرانی در حال حرکت به ونزوئلا، در پی ایجاد اختلال در روابط اقتصادی-تجاری ایران با ونزوئلا برآمد. مبنای صدور این تصمیم، ادعای ارتباط میان درآمد حاصل از بخش انرژی ایران در فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وابستگی برخی شرکت‌های نفتی به این نهاد اعلام شد که آمریکا پیش‌تر، آن را به ادعای تروریستی بودن، در فهرست تحریم‌های خود قرار داده بود. به دلیل اهمیت این موضوع در منافع ملی کشورمان، وضعیت حقوقی صدور قرار توقیف محموله‌های نفتی ایران توسط آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل، پرسش اصلی این نوشتار است. نتایج حاصل از مطالعات توصیفی-تحلیلی نگارندگان مؤید آن است که مبنای این اقدام مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بوده و توقیف محموله‌های نفتی و ممانعت از حرکت آزادانه کشتی‌ها در تعارض با قواعد حقوق دریاهای، مصونیت دولت‌ها و نیز قواعد حقوق بشری است.

### واژگان کلیدی

تحریم نفتی، تحریم یک‌جانبه، تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حقوق بین‌الملل، قرار توقیف نفت‌کش‌های ایران.

\* مقاله پیش‌رو، برگرفته از گزارش پژوهشی نویسندگان با عنوان «صدور قرار توقیف نفت‌کش‌های ایرانی از منظر حقوق بین‌الملل» است که توسط پژوهشگاه قوه قضاییه در مرداد ۱۳۹۹ منتشر شد. نگارندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری دکتر مهشید آجلی لاهیجی در نگارش گزارش پژوهشی مذکور، تشکر کنند.

Email: mousavifar67@gmail.com

\* نویسنده مسئول

### مقدمه

کشور آمریکا، از نخستین سال‌های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی با حربه تحریم سعی در تحمیل سیاست‌های خود بر کشور ایران داشته است؛ به‌ویژه پس از خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در نوامبر ۲۰۱۸، از راه‌های مختلف، از جمله تلاش برای ممانعت از پایان تحریم تسلیحاتی ایران، اقدام در راستای بازگرداندن مجدد تحریم‌های شورای امنیت و وضع و اعمال شدیدترین تحریم‌های یک‌جانبه، در پی اعمال سیاست فشار حداکثری بر دولت و جامعه ایران برآمده است. اقدام دادگاه ناحیه کلمبیای ایالات متحده در صدور قرار توقیف نفت‌کش‌های ایرانی در دوم جولای ۲۰۲۰، یکی دیگر از اقدامات قابل بحث دولت ایالات متحده است. دادگاه مزبور در قرار صادره مدعی است منافع حاصل از صنعت نفت و انرژی ایران، در تأمین مالی فعالیت‌های سپاه پاسداران، به‌ویژه نیروهای قدس، نقش دارد. با توجه به این‌که آمریکا پیش از این، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را سازمانی تروریستی به‌شمار آورده و اشخاص، اموال و شرکت‌های تابعه اصلی و فرعی آن را در فهرست تحریم‌های خود قرار داده بود، در قرار صادره نیز سعی در اثبات آن دارد که این کشتی‌ها از سوی شرکت‌های تحت نظر سپاه پاسداران به خدمت گرفته شده‌اند و سود حاصل از این تبادلات تجاری، صرف اقدامات ادعایی این سازمان علیه آمریکا، اشخاص آمریکایی و اموال آنها می‌شود (U.S District Court for the District of Columbia, 2020: paras. 6-14). بر این اساس، این مقاله در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش اصلی برآمده است که اقدام دادگاه داخلی آمریکا در صدور قرار توقیف علیه نفت‌کش‌های ایرانی حامل بنزین به ونزوئلا در جولای ۲۰۲۰ از منظر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل چگونه ارزیابی می‌شود؟ در مقام پاسخ، فرضیه این پژوهش مبتنی بر آن است که این اقدام دادگاه آمریکایی، نه‌تنها نمودی از توسعه یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکاست که می‌تواند در مغایرت با بنیان نظام حقوقی بین‌المللی قرار گیرد، بلکه از بُعد قواعد حقوق بین‌الملل درباره حقوق دریاها، حقوق بشر و نیز مصونیت‌های در نظر گرفته برای دولت‌ها نیز شایسته تأمل است. در راستای پاسخ به این پرسش و ارزیابی فرضیه مطروحه، پژوهش پیش‌رو بر مبنای ارزیابی اقدام دادگاه آمریکا در صدور قرار توقیف این نفت‌کش‌ها با توجه به اصول و قواعد مربوطه در حقوق بین‌الملل ساختاربندی شده است. به این ترتیب، این نوشتار ضمن بررسی میزان تطابق این اقدام با اهداف و اصول منشور ملل متحد، آثار برآمده از صدور و یا اجرای قرار توقیف نفت‌کش‌ها را با برخی قواعد حقوق دریاها، مصونیت دولت‌ها و میزان تطابق آن با تعهدات دولت‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر بررسی خواهد کرد.

## ۱. صدور قرار توقیف محموله‌های نفتکش‌های حامل نفت ایران از منظر اصل برابری حاکمیت دولت‌ها

تا پیش از پذیرش سند برجام، تحریم کشتی‌رانی، به معنای امکان بازرسی و توقیف کشتی‌های مظنون ایرانی و یا ممانعت از حرکت آزادانه آنها، ضمن قطعنامه‌های شورای امنیت و به تبع آن در قوانین تحریمی اتحادیه اروپا و سایر کشورها، از جمله آمریکا، وجود داشت (رک: ضیایی و رشیدی، ۱۳۹۵). اما به موجب این سند، بخش زیادی از تحریم‌های شورای امنیت و دیگر نهادها و کشورها در زمینه کشتی‌رانی برطرف شد (JCPOA, 2015, para. 21, Annex II, Sections 1.3, 3-4, 7-5). بدیهی است آنچه در این برهه زمانی تحت عنوان تحریم‌های اقتصادی و از جمله تحریم بر صادرات نفت و یا تحریم تردد کشتی‌ها بر جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود، نه در راستای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، بلکه نوعی اقدام یک‌جانبه از سوی ایالات متحده آمریکاست که هدف از وضع و اعمال آنها، نه استقرار صلح و امنیت بین‌المللی، بلکه انگیزه‌های سیاسی و تحمیل سیاست‌های خود بر ایران است. درباره میزان مشروعیت قانونی این‌گونه اقدامات تحریمی، میان دولت‌ها بحث و اختلاف نظرهای زیادی مطرح شده است (رشیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). چنانکه طرفداران اعمال تحریم‌های یک‌جانبه، عمدتاً برای توجیه عمل خود به اصل حاکمیت دولت‌ها در آزادی برقراری یا قطع همکاری اقتصادی استناد می‌کنند؛ در مقابل، این اصل از طرف مخالفان تحریم‌های یک‌جانبه نیز برای اثبات نامشروع بودن این تحریم‌ها به کار گرفته می‌شود و چنین استدلال می‌گردد که دولت هدف تحریم نیز دارای حاکمیت است و از این جهت قدرت انحصاری تنظیم روابط اقتصادی خویش را بدون دخالت فشار خارجی داراست (حیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۸۴۸). در واقع، مخالفان تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه با رویکردی دیگر به اصل حاکمیت، وضع تحریم‌ها را مغایر با آن می‌دانند. «از اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله منبث می‌گردد» (حکمتی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). این اصل، به‌عنوان یک حق، مورد اجماع حقوقی میان دولت‌ها قرار دارد (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۷) و در اسناد مختلف بین‌المللی، از جمله منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها و اعلامیه غیرمجاز بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها مورد تأکید قرار گرفته است (UN Doc. A/RES/3281, 1974, Art. 32; UN Doc. A/RES/2131, 1965, Art. 2). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در بخشی از رأی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی نیکاراگوئه در این باره بیان می‌دارد: «با توجه به یک قاعده عموماً پذیرفته‌شده، این اصل، همه دولت‌ها یا گروهی از دولت‌ها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولت‌های دیگر باز می‌دارد. منظور از مداخله منع‌شده، مداخله در اموری است که اصل حاکمیت دولت‌ها به هر دولتی اجازه می‌دهد آزادانه برای خود تصمیم بگیرد. یکی از اینها انتخاب نظام سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تنظیم سیاست خارجی است. زمانی که از روش‌های اجبار در خصوص چنین انتخاب‌هایی استفاده شود، مداخله نادرست است» (ICJ, 1986, para. 205). با توجه به این مقدمات می‌توان گفت دولت‌ها با یکدیگر حاکمیت برابر دارند و هیچ دولتی نمی‌تواند بدون رضایت سایر دولت‌ها در امور داخلی آنها مداخله و حاکمیت‌شان را نقض کند. کشورهای ایران و ونزوئلا، به‌عنوان حاکمیت‌های برابر و مستقل، می‌توانند آزادانه و بدون هیچ‌گونه فشار خارجی با یکدیگر، روابط اقتصادی برقرار کنند و عمل آمریکا در ممانعت از این اقدام که امری کاملاً داخلی و در صلاحیت مقامات دو کشور ایران و ونزوئلاست، مخالف اصل حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله در امور داخلی آنها شمرده می‌شود. افزون بر این، آمریکا با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی علیه ایران، تعهد خود در معاهده الجزایر (۱۹۸۱) مبنی بر منع مداخله در امور داخلی ایران و لغو تمامی تحریم‌های اقتصادی را نادیده انگاشته است.

استدلال مخالفان تحریم‌های یک‌جانبه در اثبات غیرقانونی بودن تحریم‌های یک‌جانبه به استناد اصل حاکمیت، به‌ویژه در زمینه تحریم‌های فراسرزمینی یا ثانویه از اعتبار بیشتری برخوردار است؛ زیرا اگرچه نمی‌توان به تصمیم دولت تحریم‌کننده مبنی بر خواست آن به قطع رابطه خود با دولتی دیگر خدشه وارد کرد؛ اما آن دولت نمی‌تواند در روابط اقتصادی دولت هدف تحریم با دولتی ثالث مداخله کند.

مهم‌تر آن‌که اقدام آمریکا در تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا بر همین اصل برابری حاکمیت که یکی از پایه‌های نظام حقوق بین‌الملل امروز را تشکیل می‌دهد، فاقد مشروعیت است؛ زیرا تروریستی نامیدن نیروی نظامی رسمی یک کشور که تجلی‌بخش حاکمیت آن است و اقدامات تحریمی علیه آن به‌صورت یک‌جانبه، با این اصل حقوق بین‌الملل در تعارض آشکار قرار می‌گیرد.

## ۲. صدور قرار توقیف محموله‌های نفت‌کش‌های حامل نفت ایران از منظر نظام امنیت جمعی منشور ملل متحد

ازجمله طرح‌هایی که به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارائه و مطرح شده است، طرح امنیت دسته‌جمعی است. امنیت جمعی به معنای مجموعه‌ای از هنجارها، قواعد و ساختارها برای حفظ ثبات و آرامش بین‌المللی است. مبنای نظریه امنیت جمعی آن است که دولت‌ها به‌تدریج این نکته را دریافتند که امنیت هر یک در گروی امنیت سایر دولت‌هاست. هدف نظام امنیت جمعی، تأمین امنیت برای همه از راه سرکوب متجاوز است و یکی از ضروریات اصلی

تحقق این هدف، وجود ساختاری حقوقی و تشکیلاتی برای اقدام علیه متجاوز است (زالپور، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱). بر این اساس، به هنگام تشکیل سازمان ملل متحد، به منظور اقدام سریع و فوری جامعه بین‌المللی در رفع موارد تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای انجام هرگونه اقدام مقتضی تشکیل شده است. تشخیص مصادیق تروریسم به‌عنوان عامل برهم زنده صلح و امنیت بین‌المللی و تعیین اقدامات لازم برای مقابله با آن، در وهله نخست، در اختیار این نهاد است؛ درحالی‌که مبنای اصلی صدور قرار توقیف مذکور در دادگاه آمریکا، برقراری ارتباط میان درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایران با اقدامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که به‌زعم آمریکا گروهی تروریستی شمرده می‌شود. با این مقدمات و با در نظر آوردن این‌که به موجب ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت سازمان ملل است، می‌توان استدلال کرد که ادعای تروریستی بودن سپاه پاسداران، زمانی که شورای امنیت به‌عنوان مرجع اصلی احراز وضعیت‌های ناقض صلح و امنیت بین‌المللی (United Nations Charter, 1945, Arts. 25, 39)، در این زمینه تصمیمی نگرفته است، با اساس تشکیل سازمان ملل متحد و روح حاکم بر آن که در پی ممانعت از اقدامات یک‌جانبه و خودسرانه دولت‌ها و حفظ امنیت جمعی است، در تنافی است (ضیایی و رشیدی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶).

### ۳. صدور قرار توقیف محموله‌های نفت‌کش‌های حامل نفت ایران از منظر اصول آزادی کشتی‌رانی و عبور بی‌ضرر در دریاها

قرار توقیف صادره در دادگاه آمریکا، در صورتی‌که به متوقف ساختن نفت‌کش‌های ایرانی در حال حرکت به سوی ونزوئلا در مناطق دریای آزاد بینجامد، برخی از اصول عرفی حقوق دریاها، از جمله آزادی دریانوردی در آب‌های آزاد را نقض می‌کند (ضیایی و رشیدی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶). آزادی دریانوردی در دریاهای آزاد که ذاتی این منطقه دریایی است، ایجاب می‌کند هیچ کشوری حق اعمال حاکمیت بر این منطقه را نداشته باشد. اگر کشتی‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین وسایل اجرای اصل آزادی دریانوردی، تحت صلاحیت دولتی به غیر از دولت صاحب‌پرچم قرار گیرند، این آزادی، خیالی بیش نخواهد بود. چنانکه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی به درستی در قضیه کشتی لوتوس، این موضوع را مطرح ساخت که به جز در برخی موارد استثنایی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل، کشتی‌ها در دریای آزاد، تحت صلاحیت هیچ اقتداری به جز کشور صاحب پرچم قرار نمی‌گیرند (PCIJ, 1927: 25). قابلیت توقیف کشتی‌ها در دریای آزاد، استثنایی بر اصل آزادی دریانوردی بوده و از این‌رو لازم است به طریقی مضیق تفسیر شود. بر این اساس، مطابق با قواعد حقوق دریاها، عمل بازرسی و نیز توقیف در دریای

آزاد توسط سایر کشورها، تنها توسط کشتی‌های نظامی آنها و صرفاً زمانی می‌تواند انجام شود که دلایل معقولی برای توقیف یا بازرسی وجود داشته باشد (کرم‌زاده و عابدینی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). به سخن دیگر، قابلیت بازرسی و توقیف کشتی‌های خارجی توسط دولتی جز دولت صاحب‌پرچم، بر مبنای قواعد کنوانسیون حقوق دریاها و نیز عرف بین‌المللی، ناظر بر وضعیت‌هایی است که یک کشتی، مظنون به تجارت برده، دزدی دریایی، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روان‌گردان، پخش امواج رادیویی غیرمجاز و یا کشتی بدون تابعیت یا با پرچم تقلبی باشد. مورد دیگر، زمانی است که یک کشتی با مبدأ حرکت از مناطق دریایی یک کشور خاص با نقض قواعد آن کشور ساحلی در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت یا منطقه انحصاری اقتصادی آن، تحت تعقیب فوری کشتی‌های کشور ساحلی قرار گرفته باشد. جز در موارد یادشده، توقیف و بازرسی کشتی‌ها در دریای آزاد باید پس از اخذ رضایت دولت صاحب‌پرچم انجام شود (کرم‌زاده و عابدینی، ۱۳۹۹: ۱۱۶). رویه قضایی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (ایتلوس) نیز در قضیه مطروحه توسط پاناما علیه ایتالیا به درستی مؤید این واقعیت است که «هرگونه مداخله در امر دریانوردی کشتی‌های خارجی و یا هرگونه اعمال صلاحیت بر این کشتی‌ها در دریای آزاد، ناقض اصل آزادی دریانوردی بوده؛ مگر آن‌که توسط کنوانسیون حقوق دریاها یا دیگر معاهدات بین‌المللی قابل توجیه باشد» (ITLOS, 2019, para. 222). حتی دیوان در این قضیه بر این باور است که نه تنها مداخله فیزیکی، مثل اقدام به توقیف، موجب نقض آزادی دریانوردی می‌شود، بلکه هر عملی که فعالیت‌های یک کشتی را در دریای آزاد تحت صلاحیت کشوری غیر از کشور صاحب‌پرچم قرار دهد، به غیر از موارد استثنایی مطروحه در کنوانسیون یا دیگر معاهدات بین‌المللی، می‌تواند ناقض اصل آزادی دریانوردی قرار گیرد (ITLOS, 2019, para. 223). براساس رأی ایتلوس، اصل صلاحیت انحصاری کشور صاحب‌پرچم، عنصر ذاتی آزادی دریانوردی است. این اصل، نه‌تنها اعمال صلاحیت اجرایی کشور خارجی را بر کشتی‌های دیگر کشورها ممنوع می‌کند، بلکه اگر دولتی قوانین کیفی و عرفی خود را بر دریاهای آزاد اعمال کرده و فعالیت‌های کشتی‌ها در این منطقه را جرم‌انگاری نماید، مرتکب نقض آزادی دریانوردی شده است. بر این اساس، دیوان در این قضیه، ایتالیا را به استناد صدور حکم توقیف کشتی پانامایی و درخواست برای اجرای آن و در نهایت توقیف کشتی، ناقض بند ۱ ماده ۸۷ کنوانسیون اعلام کرد (ITLOS, 2019, paras. 225, 230).

به این ترتیب، انجام امور عادی تجاری و شفافیت در نوع محموله کشتی‌هایی که در طول مسیر دریایی خود پرچم ایران را برافراشته و از آب‌های ایران به مقصد ونزوئلا حرکت کرده‌اند، عمل این کشتی‌ها را مشمول هیچ‌یک از استثناهای اصل آزادی دریانوردی در دریای آزاد قرار نداده و مانع از اعطای حق بازرسی و توقیف آن کشتی‌ها، به سایر دولت‌ها، از جمله

آمریکا خواهد شد. همچنین بنا بر رأی یادشده از ایتلوس در سال ۲۰۱۹ میان پاناما و ایتالیا، حتی صرف صدور قرار توقیف محموله‌های این کشتی‌ها و اعمال فراسرزمینی قواعد داخلی آمریکا بر فعالیت‌های کشتی‌های ایرانی در دریای آزاد، نقض اصل عرفی آزادی دریانوردی شمرده می‌شود.

حتی کشور آمریکا به موجب قواعد حقوق دریاها، امکان توقیف نفت‌کش‌های ایرانی در حال عبور از دریای سرزمینی خود را ندارد؛ زیرا رژیم حاکم بر دریای سرزمینی، رژیم عبور بی‌ضرر است. مواد ۱۷ تا ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به تعریف حق عبور بی‌ضرر و استثنائات تعلیق این حق پرداخته‌اند و ماده ۱۹ مقرر می‌دارد: «عبور، بی‌ضرر است؛ مادامی که مخل صلح، نظم عمومی و یا امنیت کشور ساحلی نباشد» (UNCLOS, 1982, p. Art. 19(1)). سپس به بیان اعمالی می‌پردازد که در صورت انجام آنها توسط کشتی‌ها در دریای سرزمینی، حق عبور بی‌ضرر آنها قابل تعلیق است (UNCLOS, 1982, p. Art. 19(2)). این حق در خلال تمامی دوره‌ای که مفهوم دریای سرزمینی شکل می‌گرفت، به طور گسترده‌ای مورد قبول بوده است (چرچیل و لو، ۱۳۸۷: ۱۱۶) و یک حق عرفی برای کشتی‌های کشورهای خارجی تلقی می‌شود. کشورهای ساحلی جز در مواردی که به امنیت و نظم عمومی آنها مربوط است، نمی‌توانند این حق را در دریای سرزمینی تعلیق کنند.

دولت آمریکا در قوانین تحریمی خود برای توجیه تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران از اقدامات ایران به‌عنوان تهدیدی برای منافع ملی کشورش یاد کرده است و در قرار توقیف صادره پیش‌گفته نیز مدعی شد منافع حاصل از فروش نفت این کشتی‌ها صرف فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود که اعمال آن تهدیدی بر منافع آمریکا، شهروندان آمریکایی و اعمال آنهاست و به‌این ترتیب، عمل خود را از نظر قانونی توجیه می‌کند؛ حتی اگر حرکت آزادانه کشتی‌های ایران را تهدیدی علیه امنیت آمریکا تلقی کنیم، باید توجه داشت که از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی سکوه‌های نفتی استنباط می‌شود که صرف تصور تهدید منافع ملی، دلیلی برای اعمال اقدامات اجرایی نخواهد بود و این تهدیدها باید به صورت عینی و واقعی به اثبات برسند؛ در غیر این صورت هر اقدامی برای مقابله با این تهدیدها غیرقانونی خواهد بود (ICJ, 2003: 43).

۱. ازجمله اعمال مندرج در ماده ۱۹ عهدنامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها که مخل صلح، نظم عمومی و امنیت کشور ساحلی هستند، عبارت‌اند از: ۱. هرگونه استفاده از زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور ساحلی؛ ۲. هرگونه استفاده یا تمرین با اسلحه از هر نوع؛ ۳. هر عملی به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات به ضرر دفاع یا امنیت کشور ساحلی؛ ۴. هر نوع تبلیغ به‌منظور اختلال در دفاع و یا امنیت کشور ساحلی و... .

در نتیجه، منع ورود کشتی‌های حامل نفت از ایران یا به مقصد ایران به آب‌های سرزمینی و بازرسی آنها، در موردی که تهدیدی واقعی علیه امنیت و نظم عمومی کشور ساحلی شمرده نمی‌شود، با حق عرفی عبور بی‌ضرر این کشتی‌ها مغایرت دارد.

بنابراین، افزون بر آن‌که نفس تحریم سپاه پاسداران از منظر اصول منشور ملل متحد فاقد مشروعیت است، آثار تبعی این اقدام، با تعهدات آمریکا به رعایت اصول و قواعد حقوق دریاها منافات داشته است (United Nations Charter, 1945, Arts. 2(1), 2(7), 24).

#### ۴. صدور قرار توقیف نفت‌کش‌های حامل فرآورده‌های نفتی ایران از منظر اصل مصونیت اعمال دولت‌ها

یکی از نکات شایسته تأمل درباره قرار صادره در دادگاه ایالات متحده، ماهیت عملیات انتقال فرآورده‌های نفتی ایران توسط نفت‌کش‌های «بلا»<sup>۱</sup>، «برینگ»<sup>۲</sup>، «پاندی»<sup>۳</sup> و «لونا»<sup>۴</sup> به کشور ونزوئلاست. براساس قاعده عام مصونیت دولت، هر دولتی متعهد است از اعمال صلاحیت قضایی بر اعمال و اموال سایر دولت‌ها پرهیز کند. در دکتین و رویه قضایی، مصونیت دولت غالباً به‌عنوان تجلی اصل برابری دولت‌ها تلقی شده است (خضری، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

درباره مصونیت دولت، در گذشته، ایده مصونیت مطلق به طور کلی پذیرفته شده بود؛ اما با مشارکت بیشتر دولت‌ها و نهادهای دولتی در فعالیتهای تجاری، از اوایل قرن بیستم، تغییراتی در این زمینه پدید آمد و نظریه مصونیت محدود شکل گرفت. توضیح آن‌که به موجب این نظریه، دولت‌ها تنها در اعمال حاکمیتی و نه تصدی خود، از مصونیت برخوردارند (Krajewski, 2012: 7-9). عمل حاکمیتی، عملی است که به‌وسیله آن، ارگان‌های دولت متوسل به شیوه دستور، منع و قاعده‌گذاری یک‌جانبه شده و اراده آمرانه نهاد دولت آشکار می‌شود (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۰). به‌موجب تعریف دیگری، اعمال حاکمیتی را می‌توان چنین توصیف کرد: اعمالی که در چهارچوب آنها دستگاه دولتی براساس قدرت فرماندهی خود از سیطره حقوق عادی خارج می‌شود؛ زیرا اعمال وی شبیه اعمال اشخاص خصوصی نیست (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۰).

احترام به مصونیت اعمال حاکمیتی دولت‌ها، در امر دریانوردی نیز مورد توجه قرار گرفته و تجلی آن در مصونیت کشتی‌های دولتی و یا جنگی هر دولت، به‌عنوان ابزار اعمال حاکمیت آن، از اعمال حاکمیت دیگر دولت‌ها تجلی یافته است. بارزترین جلوه مصونیت کشتی‌های جنگی از هرگونه تعقیب دیگر دولت‌ها، در بُعد مدنی و کیفری آن است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳۱۹). در همین چهارچوب، کشتی‌های دولتی غیرتجاری هم معاف از رسیدگی و مصون از

1. Bella  
2. Bering  
3. Pandi  
4. Luna



هرگونه توقیف هستند؛ اگرچه از مصونیت‌های دیگر مقرر برای کشتی‌های جنگی برخوردار نیستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳۲۰). از دیگر امتیازات در نظر گرفته شده برای کشتی‌های دولتی غیرتجاری، مصونیت آنها از بازدید و بازرسی است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

در راستای نظریه مصونیت محدود، اعمال غیرحاکمیتی دولت‌ها که از آن با عنوان اعمال تصدی نیز یاد می‌شود، مشمول اصل مصونیت اعمال دولت‌ها قرار نمی‌گیرند. دولت همیشه از قدرت فرماندهی خود بهره نبرده، بلکه در برخی مواقع همچون شخص خصوصی به اداره اموال خود می‌پردازد؛ امری که غالباً در قراردادها اتفاق افتاده و این همان عمل تصدی است (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۰). به دیگر سخن، زمانی که نهاد دولتی به‌عنوان دارنده بخشی از اقتدار قوه مجریه ظهور می‌کند، عمل حاکمیتی است؛ اما گاهی اوقات اعمال دارای ماهیتی تصدی‌گرایانه بوده و دولت به‌مثابه عمل مدیر و مسئول مالی خدمات عمومی ظهور کرده و شبیه اعمال اشخاص خصوصی عمل می‌کند (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). بر همین اساس، در حال حاضر در رویه قضایی دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف می‌توان آرای را دید که درباره اعمال تصدی‌گری دولت‌ها با استناد به اصل مصونیت محدود، مصونیت مطلق دولت را کنار گذاشته و به رسیدگی به ماهیت دعاوی مطروحه پرداخته‌اند (Bankas, 2005: 64-65). تمیز اعمال حاکمیتی و تصدی نیز براساس دو معیار ماهیت و هدف انجام می‌شود (Mafi, 2008: 426). به عبارتی دیگر، مطابق با بند «ج» ماده ۱۹ کنوانسیون ملل متحد در مصونیت دولت‌ها که می‌توان آن را تدوین قواعد عرفی در این حوزه دانست، اموال مورد استفاده یا به‌منظور استفاده برای اهداف تجاری از قاعده مصونیت دولت مستثنا می‌شوند و می‌توانند تحت اقدامات اجرایی قرار گیرند (United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004, Art. 19(c)). ماده ۲ این کنوانسیون نیز در تمیز اعمال تجاری آشکارا به دو معیار ماهیت و هدف اشاره کرده است (United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004, Art. 2).

بر این مبنا، در مرحله نخست شاید بتوان چنین گفت که تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی میان دو دولت ایران و ونزوئلا را می‌بایست در زمره اعمال تصدی دولت جمهوری اسلامی ایران به‌شمار آورد؛ چراکه عمل مزبور در ردیف اعمالی شمرده شده که توسط اشخاص خصوصی نیز قابلیت اعمال دارد. امروزه مداخله اشخاص خصوصی، به‌ویژه اشخاص حقوقی در تجارت نفت بسیار شایع بوده و حتی می‌توان گفت که بخش خصوصی بسیار بیش از

1. Art. 2: In determining whether a contract or transaction is a "commercial transaction" under paragraph 1 (c), reference should be made primarily to the nature of the contract or transaction, but its purpose should also be taken into account if the parties to the contract or transaction have so agreed, or if, in the practice of the State of the forum, that purpose is relevant to determining the non-commercial character of the contract or transaction.

بخش دولتی در تجارت مزبور درگیر است. نتیجه آن که، ممکن است چنین گفت که فارغ از سایر مسائل، قرار صادره برای توقیف کشتی‌های حامل فرآورده‌های نفتی ایران برای ونزوئلا و اجرای آن از منظر حقوق بین‌الملل منعی نخواهد داشت؛ زیرا کشتی‌های مزبور درگیر اعمال تصدی برای جمهوری اسلامی ایران بوده و فاقد مصونیت شمرده می‌شوند.

با وجود این، به نظر می‌رسد توجه به صرف ماهیت عمل و امکان انجام آن توسط اشخاص خصوصی به منظور احتساب عمل به عنوان تصدی‌گری، در تمامی موارد و به صورت عمومی، چندان صحیح نباشد. بلکه، شایسته‌تر آن است تا به منظور شناسایی عمل دولت به عنوان عمل تصدی‌گری یا عمل حاکمیتی، هر عمل به صورت موردی بررسی شود. بر این مبنا، معامله بین ایران و ونزوئلا نیز صرف نظر از امکان انجام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، باید در چهارچوب شرایط ویژه خود بررسی گردد. همان‌گونه که می‌دانیم یکی از بارزترین جلوه‌های استقلال هر دولت، اختیار و آزادی آن دولت در اعمال اراده خود و تعیین آزاد مسیر حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش به نمایندگی از مردم تبعه آن دولت است؛ اصولی که نمونه روشن آن در مفهوم حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خارجی تجلی یافته است.

در حقوق عمومی، حاکمیت به معنای قدرت برتر، قدرت مافوق و قدرت انحصاری هر دولت به شمار می‌رود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۰۹). حاکمیت، آن قدرت برتری است که بر کشور و اتباع آن اقتدار بی‌رقیب داشته و همگان در داخل کشور از آن اطاعت می‌کنند. در سیاست و روابط خارجی تجلی حاکمیت شناسایی و به رسمیت شناختن اعمال قدرت یک دولت توسط دیگر کشورها و مراجع صالح بین‌المللی است (نصرتی و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

در تعریف دیگری، حاکمیت را می‌توان حق انحصاری حکومت برای استفاده از زور یا قدرت مشروع به شمار آورد. در این راستا، حکومت‌ها بر اساس اختیارات و اقتداری که به طریق دموکراتیک یا دیگر روش‌های مرسوم کسب کرده‌اند، قدرت و سلطه مشروع خود را بر مردم خویش اعمال کرده و تابع هیچ قدرت و عامل بیرونی محدودکننده‌ای نیستند؛ مگر درباره آن دسته از تعهداتی که با اراده و استفاده از حاکمیت خود به آنها پیوسته‌اند (نصرتی و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

در همین راستا، همچنان که اشاره شد، جلوه دیگر استقلال دولت‌ها در برخورداری آنها از امکان اعمال حق تعیین سرنوشت به نمایندگی از مردم خود تجلی یافته است. ماده یک مشترک بین میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فوق، تعریفی کمابیش جامع از حق بر تعیین سرنوشت ارائه می‌دهد:

«همه مردم از حق تعیین سرنوشت برخوردار بوده و بر این اساس می‌توانند آزادانه

وضعیت سیاسی‌شان را تعیین نموده و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را دنبال نمایند».

به سخن بهتر و با توجه به تحولات دهه ۱۹۶۰ میلادی، در حق بر تعیین سرنوشت مورد تأکید در میثاقین، نه تنها ضرورت رهایی جوامع مستعمره از سلطه استعمار، بلکه ممانعت از دخالت دولت‌های خارجی در امور داخلی کشورهای مستقل و سرنوشت ملت‌های آنها نیز مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مصوب ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل هم در میان مصادیق اعمال حق بر تعیین سرنوشت خارجی برای مردم، این چنین به منع سلطه، انقیاد و استثمار بیگانه اشاره می‌کند:

«... سلطه، انقیاد و استثمار بیگانه بر مردمان مانعی بزرگ بر سر راه ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده و مجمع بر این باور است که حقوق برابر و حق بر تعیین سرنوشت مردم سهم عمده‌ای از حقوق بین‌الملل معاصر را به خود اختصاص داده است. بنابراین، اجرای مؤثر آن دارای اهمیت والایی برای ارتقای روابط دوستانه بین دولت‌ها بر مبنای اصل حاکمیت برابر دارد» (UN Doc. A/Res/2625, 1970).

بر این اساس، بدیهی است که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به مانند دیگر دولت‌ها، از این حق برخوردار است تا بنابه اقتضای منافع ملی و اهداف در نظر گرفته شده در راستای سیاست‌های بین‌المللی و داخلی خود، به تصمیم‌گیری و عمل درباره نحوه فروش منابع طبیعی خویش اقدام کند. فروش نفت و فرآورده‌های نفتی از شریان‌های اصلی تأمین درآمد برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.<sup>۱</sup> بر این مبنای، نظر به اهمیت درآمد حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی بر تأمین منابع مالی مورد نیاز کشور، به منظور تأمین بودجه لازم برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، عمل تجارت نفت را از جهت معیار هدف، در شمار اعمال حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. بر این مبنای، حتی می‌توان نفت‌کش‌های حامل فرآورده‌های صادراتی به ونزوئلا را نیز به عنوان عامل اعمال وظایف حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برای اعمال حاکمیت مؤثر خویش و تضمین اعمال آزادانه حق تعیین سرنوشت خود در پیشبرد آزادانه برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دانسته و مشمول مصونیت از توقیف مقرر برای کشتی‌های انجام‌دهنده چنین اعمالی تلقی کرد.

۱. برای نمونه، براساس گزارش تهیه شده توسط سازمان اوپک در سال ۲۰۱۸، درآمد نفتی، ۱۴/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل داده است. همچنین سهم نفت از کل درآمدهای صادراتی اقتصاد ایران ۵۶ درصد برآورد شده است. (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/08/15/2135010>)

## ۵. صدور قرار توقیف نفتکش‌های ایرانی و نقض حقوق بشر مردم ونزوئلا

صرف‌نظر از سایر موارد مطرح‌شده درباره قرار توقیف نفتکش‌های ایرانی، یکی از جنبه‌های قابل تأمل در این زمینه، نگرستن به این اقدام از منظر نقض حقوق بشر مردم ونزوئلاست. جمهوری بولیواری ونزوئلا همانند جمهوری اسلامی ایران، به دلیل اتخاذ سیاست‌های مستقل، تحت تحریم‌های یک‌جانبه و ظالمانه ایالات متحده آمریکا قرار داشته که این مسئله در کنار اُفت شدید قیمت نفت، دولت این کشور را با مشکلات فراوانی در تأمین نیازهای اولیه مردم خود روبه‌رو ساخته است. بنا بر مطالعات انجام‌شده در دانشگاه جان‌هاپکینز در سال ۲۰۲۰، کشور ونزوئلا از نظر میزان نرخ تورم، با تورم سالیانه ۲۴۹۹ درصد، در جایگاه اول پرتورم‌ترین کشورهای جهان قرار دارد (ایسنا، ۱۳۹۹) و این کشور را با کمبود شدید مواد غذایی و دارو، قطعی برق و سیل عظیمی از مهاجرت به خارج روبه‌رو ساخته است.

در این میان، یک عامل بر شدت بحران موجود در ونزوئلا افزوده و آن چیزی نیست جز زمین‌گیر شدن بخش اعظم صنعت تولید فرآورده‌های نفتی کشور مزبور که مدتی است به دلیل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، از دسترسی به مواد و تجهیزات ضروری برای حفظ ظرفیت تولید خود محروم مانده است (Rendon & et. al, 2020)؛ مسئله‌ای که به نوبه خود بر مشکلات تضمین حقوق اولیه مردم ونزوئلا می‌افزاید.

اختلال در تأمین فرآورده‌های نفتی مورد نیاز ونزوئلا، نه‌تنها با ایجاد مشکل در تأمین سوخت مورد نیاز ناوگان حمل‌ونقل داخلی، ارسال مواد غذایی از مزارع و مراکز تولیدی به مراکز مصرف را با مشکل روبه‌رو ساخته (Reuters, 2020)، بلکه با ایجاد اختلال در تأمین برق مورد نیاز مراکز درمانی و سوخت ناوگان حمل‌ونقل پزشکی، ارتباط مردم با پزشکان و استفاده از خدمات بیمارستان‌ها را نیز مختل کرده است (Rendon & et. al, 2020)؛ کمبودهایی که به‌ترتیب تهدیدی جدی در دسترسی به حق بر غذای کافی (ICESCR, 1966, Art. 11)، همچنین حق بر سلامت (ICESCR, 1966, Art. 12) و حق بر حیات<sup>۱</sup> مردم ونزوئلا (ICCPR, 1966, Art. 6) است. آن هم با توجه به شیوع ویروس کرونا، به‌شمار می‌روند. این در حالی است که به سبب جایگاه رفیع حقوق بشر پس از تشکیل سازمان ملل، همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مکلف به اجرای تعهدات حقوق بشری هستند. اصلی‌ترین مبنای این تعهد، منشور سازمان ملل است که به موجب آن، دولت‌ها، سازمان ملل و ارکان ذی‌ربط آن الزام دارند در جهت ارتقای سطح زندگی، حق اشتغال، توسعه امور اقتصادی و اجتماعی، بهداشت عمومی و احترام و رعایت حقوق بشر گام بردارند (United Nations Charter, 1945, Arts. 55-56). ماده ۲ میثاق

۱. نقض حق حیات صرفاً از طریق اعدام و کشتار انجام نمی‌شود، بلکه ممانعت از تأمین وسایل ضروری برای معاش، به‌مثابه نقض این حق است (Dashti, Mirzaie, & Jahanmanesh, 2020: 126).

حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) نیز بر همکاری و تعاون بین‌المللی در اجرای تعهدات این میثاق دلالت دارد (ICESCR, 1966, p. Art.2).<sup>۱</sup>

در این راستا، در شرایطی که دیگر دولت‌ها تحت فشار و نفوذ دولت ایالات متحده از ارسال مواد شیمیایی و تجهیزات پالایشگاهی مورد نیاز صنعت نفت ونزوئلا خودداری نموده‌اند، اقدام شجاعانه ایران در فرستادن چند فروند نفت‌کش حامل فرآورده‌های نفتی و تجهیزات پالایشگاهی به بنادر این کشور، با وجود تهدیدات ناوگان دریایی ایالات متحده، با تأثیری که دست‌کم برای مدت یک ماه بر بهبود تأمین سوخت مورد نیاز ونزوئلا و در نتیجه، تضمین مناسب‌تر حق دسترسی به غذای کافی، حق بر سلامت و حق بر حیات مردم کشور مزبور دارد، از منظر حقوق بشری، قابل ارزیابی و تقدیر است.

کمک‌های انسان‌دوستانه، ارائه مواد یا کمک‌های تدارکاتی با اهداف بشردوستانه است که به طور معمول در برابر یک بحران انسانی مانند بلایای طبیعی و یا فجایی که انسان خود مسبب آن است، انجام شده و هدف اصلی از آن هم نجات زندگی افراد، کاهش درد و رنج و حفظ کرامت انسانی آنهاست. به سخن بهتر و صرف‌نظر از دیگر جوانب، با عنایت به تأثیر مثبت اقدام ایران در ارسال تجهیزات و مواد نفتی برای ونزوئلا بر بهبود وضعیت مردم این کشور درباره دسترسی به حقوق بشر خود، می‌بایست اقدام جمهوری اسلامی ایران را حرکتی بشردوستانه نیز به‌شمار آورد. بر این مبنا، هرگونه اختلال در فرایند دسترسی مردم ونزوئلا به محموله این نفت‌کش‌ها را در حقیقت باید اقدام ایالات متحده آمریکا در جلوگیری از تضمین حقوق بشر مردم ونزوئلا توسط دولت این کشور، به‌ویژه مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بند ۱ از ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی برشمرد.

## نتیجه

صدور قرار توقیف کشتی‌های ایرانی حامل بنزین به ونزوئلا، افزون بر این‌که در مغایرت با قاعده اصلی حقوق دریاها مبنی بر آزادی کشتی‌رانی است، به دلیل اختلال در فرایند مشروع روابط تجاری اقتصادی دو کشور مستقل ایران و ونزوئلا، با برخی اصول بنیادین حقوق بین‌الملل مثل اصل حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها در تعارض است. افزون بر این، به دلیل این‌که عواید حاصل از صادرات نفت ایران در تأمین بودجه کشور به‌عنوان امری حاکمیتی نقش چشمگیری دارد، عمل صادرات نفت را می‌توان بر مبنای معیار هدف، امری حاکمیتی دانست و از این‌رو، صدور قرار توقیف محموله‌های نفتی ایران نمونه روشنی از نقض قاعده عرفی مصونیت دولت‌هاست. بر مبنای قواعد حقوق بشری نیز، اعمال

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: زمانی و زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۷.

تحریم‌هایی که بر تأمین نیازهای اولیه زندگی مردم کشور هدف تحریم اثرگذار است، تعهد به تضمین اجرای حقوق بشر را نقض می‌کند. با توجه به اثبات غیرقانونی بودن اقدامات کشور آمریکا در تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران و در مقام ارائه راهکار برای مقابله با این‌گونه اقدامات و همچنین پیشگیری از وضع تحریم‌های جدید، افزون بر طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری که هم‌اکنون در مرحله رسیدگی قرار دارد، طرح دعوا در دیوان داوری دعوای ایران و آمریکا به استناد نقض تعهد به عدم مداخله در معاهدات الجزایر نیز از قابلیت بررسی برخوردار است. البته در نخستین سال‌های پس از پذیرش بیانیه الجزایر و اعمال تحریم‌های جدید از سوی آمریکا، دعوایی درباره این موضوع در پرونده‌ای با عنوان الف-۳۰ در این دیوان مطرح شده که همچنان در حال رسیدگی است.

همچنین محاکم داخلی کشور ایران بر مبنای «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوای مدنی علیه دولت‌های خارجی» اصلاحی سال ۱۳۹۱، از این ظرفیت برخوردارند تا به دعوای مدنی اشخاص تحریم‌شده ایرانی مانند شرکت‌های ارسال‌کننده محموله‌های نفتی رسیدگی کنند؛ اگرچه در این مورد، به دلیل نبود اموال قابل توقیف متعلق به دولت آمریکا در خاک ایران، افق چندان روشنی در مسیر اجرای احکام صادره دیده نمی‌شود. در همین راستا، اگرچه کشور ایران می‌تواند در محاکم داخلی آمریکا به قرار توقیف یادشده اعتراض و یا شکوائیه‌ای علیه دولت آمریکا مبنی بر تحمیل تحریم‌های غیرقانونی ارائه کند، اما این اقدام نیز در عمل به‌منزله انصراف از مصونیت تلقی و با توجه به قوانین آمریکا، احتمال موفقیت در چنین دعوایی چندان امیدبخش نخواهد بود.

راهکار پیشنهادی دیگر، ترغیب شرکت‌های خصوصی بیگانه مالک نفت‌کش‌های حامل فرآورده‌های ایران، به طرح دعوای مسئولیت مدنی در محاکم آمریکا به دلیل خسارت مادی وارده ناشی از توقف کشتی‌ها به آنهاست. البته باید توجه داشت که با عنایت به برخی قوانین موجود در کشور آمریکا که اشخاص حقیقی و حقوقی مظنون به دور زدن تحریم‌های ایران را مرتکب عملی غیرقانونی اعلام کرده‌اند، بسیاری از این شرکت‌های خارجی به‌سادگی برای طرح این‌گونه دعوای مجاب نشده و حتی این احتمال وجود دارد که در صورت به نتیجه نرسیدن دعوی، اقدام مزبور با بالا بردن خطر همکاری آینده شرکت‌های کشتی‌رانی خصوصی بیگانه با ایران، چندان به سود منافع کشور ما تلقی نگردد.

همچنین، ارسال نامه رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد و ریاست شورای امنیت و گزارشگر موضوعی اقدامات قهری یک‌جانبه نیز قابل بررسی است. گفتنی است که دولت ونزوئلا پیش از این، از دادستان دیوان بین‌المللی کیفری درخواست کرده تا به تحریم‌های یک‌جانبه علیه این کشور، به‌عنوان جنایت علیه بشریت رسیدگی کند؛ شکایتی که می‌تواند در

صورت پذیرش دادستان، به آغاز تحقیقات و به دادگاه کشاندن عامل این جنایت، با توجه به اثر منفی اختلال در انتقال فرآورده‌های ایران به ونزوئلا در وضعیت بهره‌برداری از بسیاری تأسیسات زیربنایی کشور اخیر در حوزه‌هایی همچون تأمین سوخت مورد نیاز برای تداوم فعالیت شبکه حمل‌ونقل و مراکز درمانی و به تبع آن در خطر قرار گرفتن برخی حقوق اساسی مردم ونزوئلا، همچون حق بر دسترسی به غذای کافی، حق بر سلامت و حق بر حیات، بسیار مؤثر باشد.

## منابع

### الف) فارسی

۱. «بالاترین تورم متعلق به کدام کشورهاست؟» (۱۶ تیر ۱۳۹۹). خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/99041611513>.
۲. چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل دریاها*، (ترجمه: بهمن آقایی)، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۲). «تحریم اقتصادی یک‌جانبه و اصل حاکمیت دولت‌ها»، در: زمانی، سید قاسم (۱۳۹۲). *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم*، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۴. حکمتی، فاطمه (۱۳۹۳). *تحریم رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر توقف پخش برنامه‌های ماهواره‌ای ایران*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۵. خضری، سیدمرتضی (۱۳۹۱). «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، *پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی*، سال اول، شماره ۳: ۱۱۳-۱۴۶. [https://rroldt.journals.ikiu.ac.ir/article\\_203.html](https://rroldt.journals.ikiu.ac.ir/article_203.html). (تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹).
۶. رشیدی، مهناز (۱۳۹۵). *تحریم نفتی ایران از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. زالپور، خسرو (۱۳۸۳). «نظام امنیت دسته جمعی و سازمان ملل متحد- مورد عراق»، *رواق اندیشه*، شماره ۳۱: ۵۵-۷۲. [http://pajuhesh.irc.ir/Product/magazine/show.text/id/87/book\\_keyword/occasion/index/1/iindexId/102833](http://pajuhesh.irc.ir/Product/magazine/show.text/id/87/book_keyword/occasion/index/1/iindexId/102833). (تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹).
۸. زمانی، قاسم؛ جعفر زنگنه شهرکی (۱۳۹۲). «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۲، شماره ۶۷: ۳۳-۶۱. DOI: 20.1001.1.10283102.1392.22.2.1.2
۹. ضیایی، سیدیاسر؛ مهناز رشیدی (۱۳۹۵). «تحریم کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۳۳، شماره ۵۴: ۹۱-۱۲۲. DOI: 10.22066/CILAMAG.2016.20721
۱۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۱. ظریف، محمدجواد؛ سعید میرزایی (۱۳۷۶). «تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران»، *مجله سیاست خارجی*، سال یازدهم، شماره ۱: ۵-۲۶. [http://fp.ipisjournals.ir/article\\_34884.html](http://fp.ipisjournals.ir/article_34884.html). (تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹).
۱۲. کرم‌زاده، سیامک؛ عبدالله عابدینی (۱۳۹۹). «تحلیل حقوقی توقیف نفتکش گریس ۱ در آب‌های سرزمینی جبل الطارق»، *اقتیانوس‌شناسی*، سال ۱۱، شماره ۴۱: ۱۱۳-۱۲۵. DOI: 10.52547/joc.11.41.113
۱۳. نصرتی، حمیدرضا؛ حمیدرضا محمدی (۱۳۹۵). «تبیین مفهوم تداوم یا فرسایش حاکمیت دولت ملی»، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، سال ۱، شماره ۴: ۴۱-۶۵. DOI: 10.22067/pg.v1i4.64175
۱۴. واعظی، سیدمجتبی (۱۳۹۴). «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه نسیراز*، دوره ۷، شماره ۲: ۱۹۹-۲۲۰. DOI: 10.22099/JLS.2015.3217

## (ب) خارجی

15. Bankas, E. K (2005). *The State Immunity Controversy in International Law*, Springer.
16. Dashti, Farzaneh; Bizhan Mirzaie & Jasieh Jahnmanesh, (2020). "The United States Sanctions against the Islamic Republic of Iran; from Unilateralism to Violations of International Human Rights", *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, Vol. 2, No. 5: 117-142. [https://jcrir.ut.ac.ir/article\\_77797.html?lang=fa](https://jcrir.ut.ac.ir/article_77797.html?lang=fa), (Accessed: 2020).
17. ICJ (1986). Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgement, ICJ Reports 14.
18. ICJ (2003). Case Concerning Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgement.
19. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), (1966).
20. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), (1966).
21. ITLOS (2019). The M/V "Norstar" Case (Panama v. Italy): Judgment.
22. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), 2015.
23. Krajewsk, M (2012). "Should Judges be Front-Runners? The ICJ, State Immunity and the Protection of Fundamental Human Rights", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol. 16: 1-34. [https://www.mpil.de/files/pdf1/mpunyb\\_01\\_krajewski\\_neu.pdf](https://www.mpil.de/files/pdf1/mpunyb_01_krajewski_neu.pdf), (Accessed: 2020).
24. Mafi, H (2008). "Iran's Concession Agreements and the Role of the National Iranian Oil Company: Economic Development and Sovereign Immunity", *Natural Resources Journal*, Vol. 48, 406-430. <https://digitalrepository.unm.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1267&context=nrj>, (Accessed: 2020).
25. PCIJ (1927). The Case of the S.S. "Lotus", Judgment No. 9, PCIJ Reps. Series. A. No. 10.
26. Polanco, A, C. Pons & M. Armas (March 31, 2020). "Venezuela Fuel Shortages Hinder Food Delivery Amid Coronavirus Quarantine" Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-health-coronavirus-venezuela-food/venezuela-fuel-shortages-hinder-food-delivery-amid-coronavirus-quarantine-idUSKBN2112K4>.
27. Rendon, M, M. R. Seminario, and C. Fernandez (April 8, 2020). "Fuel Shortages during Covid-19 in Venezuela", CSIS, Available at: <https://www.csis.org/analysis/fuel-shortages-during-covid-19-venezuela>.
28. UN Doc. A/RES/2131, (1965).
29. UN Doc. A/Res/2625(XXV), (1970).
30. UN Doc. A/RES/3281, (1974).
31. United Nations Charter, (1945).
32. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, (2004).
33. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS), (1982).
34. United States District Court of District of Colombia (2020). United States' Verified Complaint for Forfeiture in Rem, Case 1:20-cv-01791. Available at: <https://www.justice.gov/opa/press-release/file/1291321/download>.